

ارتقا جایگاه چین در زنجیره ارزش جهانی

ایرنا

میزگرد تخصصی " ایران و چین کارخانه جهان، بازار جهان " با حضور اندیشمندان حوزه اقتصاد و بازرگانی در موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، این میزگرد تخصصی با محوریت مباحثی چون " اقتصاد سیاسی چین در زمان گذر"، " گزینه های ایران برای تعامل با اقتصاد جهانی" و " چین گزینه استراتژیک ایران" با حضور دکتر فریدون وردی نژاد سفیر سابق ایران در چین، محمدحسین ملائک معاون مرکز مطالعات استراتژیک مجمع و سفیر اسبق ایران در چین، دکتر محسن شریعتی نیا و مسعود کمالی اردکانی اعضای هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی و رایزن بازرگانی سابق در چین، در موسسه برگزار شد و مورد استقبال قرار گرفت.

فریدون وردی نژاد سفیر سابق ایران در چین به عنوان نخستین سخنران این میزگرد گفت: چین یعنی یک بازار حدود ۱/۳ میلیارد نفری، صادر کننده بزرگ، تولید کننده برتر، سرمایه گذار و «کارخانه بی رقیب» دنیا. در سال ۱۹۹۰ میلادی، کمتر از سه درصد از تولید جهان بر حسب ارزش به چین تعلق داشت و اکنون سهم این کشور نزدیک یک چهارم کل تولید جهان است.

وی با بیان اینکه چین ۸۰ درصد هواسازهای جهان، ۷۰ درصد گوشی های تلفن همراه و ۶۰ درصد کفشهای جهان را تولید می کند افزود: تولید ناخالص ملی چین در سال ۲۰۱۳، ۱۷ تریلیون و ۶۰۰ میلیارد دلار بوده است؛ با پشت سر گذاردن امریکا مقام نخست را در تجارت جهانی بدست آورده و

شریک اول تجاری ۱۳۰ کشور جهان شده است. به همین دلیل، ذخیره ارزی چین در پایان سال گذشته ۳۸۲۰ میلیارد دلار بوده است.

مدیر عامل سابق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ادامه داد: ممکن است چین از این پس دارای مزیت های نسبی نظیر شتاب تولید، نیروی کار ارزان و زیر ساخت های جذاب دولتی برای سرمایه گذاری نباشد. اما همچنان به دلایل گوناگون دارای سه مزیت رقابتی است که همکاری با این کشور را جذاب نگه می دارد؛ نخستین مزیت این است که این کشور بسیاری از موادی را که برای ساخت محصولات نیاز دارد، خود تولید می کند. مزیت دوم اقتصاد چین این است که در آسیا واقع است و اگر در داخل چین نیروی کار باز هم گران تر شود، می تواند تولید را به دلیل نفوذ بالا و رابطه خوب با کشورهای منطقه، به کشورهای آسیایی منتقل و مدیریت کند؛ سومین مزیت چین نیز این است که میزان تقاضا در این کشور به شدت رو به رشد است؛ بنابراین، بازار پر کششی دارد.

وردی نژاد اقتصاد چین را در حال دگردیسی از حالت سرمایه محوری به مصرف محوری عنوان کرد و افزود: این نگاه سبب باثبات تر شدن اقتصاد، گسترش تکیه بر اقتصاد و بازار داخلی و تشویق سرمایه گذاری در خارج می شود.

وی ادامه داد: از یک سو "یوان" به سمت تثبیت حضور مبادلاتی خود در عرصه جهانی است. به همین علت بین المللی شدن یوان در تبادلات جهانی امری اجتناب ناپذیر است. از سوی دیگر تشویق شرکت ها و بنگاه های چینی به حضور و سرمایه گذاری در خارج، بویژه آسیا و آفریقا جزئی از سیاست فعلی دولت چین است. با وجود این، هنوز ایران در اولویت و برنامه راهبردی سرمایه گذاری این کشور قرار نگرفته است.

وی با اشاره به اعلام مرکز آمار چین افزود: چین به دنبال تقویت بخش خصوصی و رقابتی تر شدن شرایط شرکت ها است . تنها در سال ۲۰۱۴ حدود ۳/۵ میلیون شرکت خصوصی در چین به ثبت رسیده است. این کشور بدنبال بازار هدف در آسیا و آفریقا است که بیش از پنج میلیارد نفر از جمعیت جهان را در خود جای داده است.

سفیر سابق ایران در چین در بخش دیگری از سخنان خود، ایران را از نگاه چینی ها کشوری در حال توسعه و سرشار از معادن، خاک غنی و موقعیت ترانزیتی ، استراتژیک و سوق الجیشی و دارای مردمانی تحصیل کرده و متخصص و در تراز چند کشور اول دنیا ، علاقه مند به توسعه مناسبات با شرق عنوان کرد و گفت: همکاری با همه کشورها، توسعه همکاری با همسایگان و کشورهای شرق و آسیا در قالب تعامل مثبت و سازنده با کشورهای جهان و تنش زدائی و ایجاد تسهیلات سرمایه گذاری و مشارکت برای کشورها و شرکت های خارجی، از جمله سیاست های دولت تدبیر و امید است. وی افزود: در حال حاضر حدود ۱۲۰ شرکت چینی در پروژه های گوناگون و محوری ایران فعال هستند که هیچ یک طلب عقب افتاده و حقوقی از ایران ندارند. اما ظرفیت همکاری میان دو کشور خیلی بیش از این هاست و باید در برنامه ای مدون و با کمک نهادهای دو کشور حجم ۵۰ میلیارد دلاری همکاری فعلی را گسترش داد.

وردی نژاد تصریح کرد: مناسبات اقتصادی و حجم همکاری فعلی ایران و چین از سطح تجاری بالاتر رفته و به مرحله و سطح همکاریهای پروژه ای رسیده است. باید بنگاه ها و شرکت های بخش خصوصی و اتاق های بازرگانی و خانه های تجارت دو کشور تلاش کنند که همکاریها به سطح همکاری مشارکتی و سرمایه گذاری برسد و منافع بلند مدت برد - برد برای دو طرف تعریف شود.

سفیر سابق ایران در چین، بر همکاری شرکت های دولتی و خصوصی و فعالان اقتصادی دو کشور که می تواند روی پایه های مستحکم و استواری نظیر جاده ابریشم، سازمان همکاریهای شانگهای، بانک توسعه اقتصادی آسیا، نفت و گاز، همکاری در صنایع مادر و همکاریهای فرهنگی و علمی باشد تاکید کرد.

وی چین را کشوری رشد یافته و نه توسعه یافته ذکر کرد و گفت: تا به امروز نتوانسته است جایگاه ایران را فراتر از یک دوست و همکار ویژه و امنیتی به همکار راهبردی و شریک استراتژیک ارتقاء دهد. از نگاه پکن، کشوری مانند پاکستان در غرب آسیا شریکی قابل اعتماد تر از ایران است و تا به امروز نشانه های جدی جهت مشارکت راهبردی با تهران در پکن دیده نمی شود.

وی ادامه داد: سیستم تصمیم گیری و تعیین خط مشی در چین همچنان کند و زمان بر و محافظه کارانه است. چینی ها برای انجام تغییر و آفرینش موقعیت های جدید، فرصت های زیادی را از دست می دهند و منطق متفاوت و ویژه ای دارند. بر این اساس، هنوز نتوانسته اند جایگاه ایران را در سپهر سیاست خارجی خود نهادینه نمایند و مناسبات دو طرف را از گيجی و ناروشنی مفرط جاری خارج کنند.

وردی نژاد به نقش لابی اقتصادی و سیاسی عربی و جایگاه و تاثیر لابی سیاسی و امنیتی "اسرائیل" در تاثیر گذاری بر سیاستگذاری پکن در تنظیم مناسبات راهبردی با تهران اشاره و اظهار امیدواری کرد که با گسترش مناسبات ایران و کشورهای غربی و رفع تحریم ها علیه ایران، شاهد شکوفایی و تغییرات جدی تر در مناسبات ایران و چین باشیم.

محمدحسین ملائک معاون مرکز مطالعات استراتژیک مجمع و سفیر سابق ایران در چین با بیان اینکه ایران و چین می توانند در حوزه امنیت و سیاست همکاری های خوبی با هم داشته باشند افزود: چین

و ایران همسایه هم نیستند اما این دو کشور در زمینه تجاری و اقتصادی می توانند همکاری های مفید و موثری با هم داشته باشند.

وی اظهار کرد: در دنیا دو تحلیل مختلف در مورد رویکرد ایران و چین به نظم جهانی وجود دارد . در مورد ایران باور رایج این است که سیستم سلسله مراتبی را قبول ندارد ، نظام تقسیم کار بین المللی را نمی پذیرد و متهم به تنش آفرینی در منطقه و خاورمیانه است. تحلیل دنیا از چین برعکس است. باور بر این است که چین کشوری است که سلسله مراتب و نظام سیستم کار بین المللی را قبول دارد و از تنش ها فاصله می گیرد.

وی با اشاره به ملاقات بهمن ماه سال گذشته وزیر امور خارجه کشورمان با وزیر امور خارجه چین گفت: وزیر امور خارجه چین در این دیدار بیان کرد که تاکنون دنیا به چین به عنوان یک کارخانه نگاه کرده است اما ما تصمیم گرفتیم که دیگر به عنوان کارخانه نباشیم و به سمت تولیدات دانش بنیان و کیفی تر حرکت کنیم و ایران نقش کارخانه را بازی کند.

وی با بیان اینکه چین قدرت برنامه ریزی برای ۳۵ سال آینده را نیز دارد افزود: این کشور بسیار تحلیل گر و برنامه ریز است و به برنامه ریزی که انجام می دهد بسیار متعهد و پایبند است. ایران نیز باید توان چنین کاری را نیز داشته باشد.

ملائک تصریح کرد: از جمله مشکلاتی که در روابط تجاری ایران با چین وجود دارد تفاوت جایگاه چین در بخش های مختلف حکومتی ماست. این امر سبب شده که چین در برنامه ریزی های کشور، جایگاه بالایی نداشته باشد.

معاون مرکز مطالعات استراتژیک مجمع، تقاضای ایران از کشور چین را سرمایه گذاری در زیرساخت ها و تسهیل تجاری دانست و افزود: در مقابل کشور چین به دنبال تضمین خرید نفت، دسترسی به بازار تجاری و اقتصادی ایران و اخذ پروژه های عظیم از ایران است.

وی اظهار کرد: با رفع انحصار و تحریم ها و افزایش همکاری کشورمان با دیگر کشورهای غربی و اروپایی، چینی ها احساس رقابت پذیری بالا می کنند و تحت فشار جدی تر قرار خواهند گرفت. شاید این امر سبب افزایش همکاری بیشتر دو کشور در زمینه اقتصادی و تجاری در آینده نزدیک شود.

مسعود کمالی اردکانی عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی و رایزن بازرگانی پیشین جمهوری اسلامی ایران در چین، در ادامه این میزگرد با بیان اینکه رشد اقتصادی چین طی سه دهه گذشته مبتنی بر جذب سرمایه خارجی و صادرات بوده است گفت: در واقع طی سه دهه گذشته هدف اصلی این کشور، تولید با هر کیفیت به منظور نفوذ در بازارهای جهانی بوده است. وی با اشاره به اینکه بحران های اقتصادی مالی در جهان و کاهش شدید تقاضا، اقتصاد چین را کمی دچار مشکل کرد؛ افزود: بررسی های به عمل آمده نشان می دهد سرمایه گذاران خارجی با ورود خود در بازار چین و استفاده از منابع نیروی کار ارزان، ضمن آلوده کردن محیط زیست، فقط ۱۰ درصد سود به اقتصاد چین منتقل کرده اند.

وی ادامه داد: اقتصاد چین در حال تلاش برای گذار از اقتصاد مبتنی بر تولید انبوه به سمت صنعتی شدن پایدار با تولید کیفی تر است. نخست وزیر این کشور در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد اقتصاد چین برای جهش اقتصادی و ایجاد ۱۲ میلیون شغل، به رشدی حدود هفت درصد نیاز دارد. کمالی اردکانی تصریح کرد: کاهش رشد اقتصادی چین پدیده ای قابل انتظار است چراکه نمی توان برای همیشه نرخ

رشد حول و حوش ۱۰ درصدی داشت، اگرچه کاهش رشد اقتصادی جهان نیز در آن بی تأثیر نبوده است. در واقع دولت چین بیش از آنکه دنبال رشد اقتصادی باشد اصلاحات اقتصادی را هدف گیری کرده است.

وی از جمله سیاستهای اصلاحات اقتصادی چین را اصلاح دولت و تقویت بخش خصوصی، توجه بیشتر بر افزایش رفاه، آموزش و بهداشت، افزایش بهره‌وری، سرمایه گذاری در خارج مرزها، محدود کردن صنایع آلاینده، توجه بیشتر به انرژی های پاک، تحریک تقاضای داخلی، حمایت از قشر متوسط و اصلاح سیاستهای جمعیتی عنوان کرد.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در مورد آینده اقتصاد چین اظهار داشت: در حال حاضر چین حدود ۲۵ درصد محصولات کارخانه ای جهان را تولید می کند؛ بازار بزرگ مصرف دارد، با غرب رابطه سازنده دارد و در سازمانهای بین‌المللی مهم نظیر (موسس بانک توسعه زیرساخت آسیایی، بریکس، سازمان همکاریهای شانگهای) حضور جدی دارد.

وی در پیش بینی آینده این اقتصاد افزود: شالوده پیش بینی ها در مورد اقتصاد چین مبتنی بر نظریات غربی است. در حالیکه اقتصاد چین مدل خاصی از ترکیب سرمایه داری و سوسیالیستی است. در واقع اقتصاد چین اقتصاد بازار سوسیالیستی است. براساس رویکردهای سیاستگذاری در چین، هرگونه تغییرات ناگهانی و شالوده شکنانه در سیاستهای اقتصادی چین دور از تصور است.

وی با بیان اینکه حزب کمونیست در طول سالهای گذشته، از یک حزب انقلابی فاصله گرفته و به حزب حاکم نزدیک تر شده است افزود: تفسیر آموزه‌های کمونیستی بر اساس اصلاحات اقتصادی مبتنی بر بازار رویکرد غالب سیاستمداران چینی است. عضویت ثروتمندترین فرد چینی در حزب

کمونیسست نمونه ای از این رویکرد است. رهبران چین طی سه دهه گذشته همگی توسعه گرا بوده اند و این روند در هر دوره در جدیدترین شکل خود بروز می کند.

وی نقش دولت در آینده اقتصاد چین را بسیار مهم دانست و اظهار کرد: هنوز بخش های استراتژیک اقتصاد در اختیار دولت است. چالش هایی که دولت چین با آنها دست و پنجه نرم می کند فساد، آلودگی محیط زیست، نابرابری و فقر است.

کمالی اردکانی تصریح کرد: دومین برنامه اصلاحات، در سال ۲۰۱۳، برای هفت سال با رویکرد محوری مدیریت رابطه دولت و بازار برای ایجاد تغییرات اقتصادی و اجتماعی کلید خورد. رویکرد کلی این اصلاحات تمرکز زدایی، متوازن سازی، کاهش فقر و نابرابری و آغاز فرایند جامع اصلاحات و توجه به رشد کیفی و سرمایه گذاری در حوزه ابداعات نوآوری است.

وی ادامه داد: برنامه تقویت صنایع تا سال های ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰ چین را به تولیدکننده تراز اول جهان تبدیل خواهد کرد. عنصر کلیدی این طرح توجه به نوآوری به جای حمایت از صنایع خاص در تقویت صنعتی شدن چین است. در آینده، موسسات تجاری این کشور بین المللی تر خواهند شد، حمایت گرایی دولتی به تدریج کاهش خواهد یافت، جامعه چینی متوازن تر خواهد شد و شرکت های قدرتمند چینی در صحنه جهانی ظاهر خواهند شد.

وی در این باره که مقاصد بعدی سرمایه جهانی کدام کشورها خواهند بود گفت: میزان تشکیل سرمایه ثابت طی یک دهه گذشته در کشورهای در حال توسعه دو برابر شده است. موسسه تحلیل مالی گلدمن ساچ برای نخستین بار در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد، بعد از کشورهای برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی (معروف به بریکس) کشورهای بعدی مناسب برای جذب سرمایه خارجی عبارتند از ایران، ترکیه، هند، نیجریه، مکزیک، ویتنام، فیلیپین، پاکستان، اندونزی، بنگلادش و کره

جنوبی . این ۱۱ کشور، معروف به گروه ۱۱ هستند. معیار این انتخاب، رشد سریع جمعیت، رشد بالای مصرف، افزایش درآمد متوسط و ظرفیت صنعتی مناسب است.

رایزن بازرگانی سابق ایران در چین خاطرنشان کرد: کشورهای موسوم به گروه ۱۱ از لحاظ میزان ثبات اقتصاد کلان، بلوغ سیاسی، درجه باز بودن اقتصاد، نوع سیاستهای سرمایه گذاری و تجاری و کیفیت آموزش با هم متفاوتند. آنها را می توان به سه گروه در حال توسعه (ایران، نیجریه، پاکستان، بنگلادش)، تازه صنعتی شده (ترکیه، هند، اندونزی، مکزیک، ویتنام، فیلیپین) و توسعه یافته (کره جنوبی) طبقه بندی کرد.

وی با بیان اینکه ایران دارای جمعیت بالا و تحصیل کرده، زیرساختهای نسبتاً مناسب اقتصادی و تولیدی و بورس ۱۰۰ میلیارد دلاری است گفت: بنابراین کشورمان بدلیل دور بودن از فضای اقتصاد جهانی می تواند به بزرگترین اقتصاد دارای پتانسیل رشد تبدیل شود.

وی با اشاره به رفع تحریم ها و ظاهر شدن نشانه های بهبود روابط با غرب اظهار داشت: این امر سبب می شود تا سیلی از سرمایه گذاران خارجی بخصوص از منطقه اروپا که طی سالهای تحریم از اقتصاد ایران کوچ کرده بودند برای بررسی شرایط جدید اقتصادی ایران، هیات های تجاری خود را به ایران اعزام کنند. مطمئناً این کشورها در درجه اول دنبال بازار برای کالاهای خود هستند و در صورت سرمایه گذاری نیز علاقه مند به سرمایه گذاری در حوزه های منابع محور هستند.

رایزن سابق بازرگانی ایران در چین بیان کرد: رابطه ایران و چین به عنوان دو اقتصاد مکمل (ایران تأمین کننده مواد اولیه و چین متقاضی آن) از یکی دو دهه پیش شکل گرفته است و گفته می شود اقتصاد دنیا تا سال ۲۰۵۰ میلادی متکی به آسیا خواهد بود . بدون شک چین یکی از گزینه های ایران پس از تحریم هاست چرا که غرب مدت ها از ایران دور بوده و حضور مجدد آنها در اقتصاد ایران

زمان بر است. وی با بیان اینکه چین بزرگترین خریدار نفت ایران است گفت: مقادیر زیادی از ارزهای خارجی ایران نزد چین است. از نظر فناوری در برخی حوزه ها وابسته به چین هستیم و این کشور بازار بزرگی برای محصولات صادراتی ما محسوب می شود لذا نمی توان اقتصاد چین را مورد توجه قرار نداد.

وی افزود: قدرت چانه زنی ما بعد از تحریم ها با چینی ها افزایش خواهد یافت. همچنین طرح کمربند جاده ابریشم ظرفیت بسیار خوبی برای افزایش تعامل با چین خواهد داشت. ایران از اعضای موسس بانک توسعه زیرساخت آسیایی (با ۱/۶ میلیارد دلار سرمایه) است. امکان تعریف طرح های مختلفی در این چارچوب فراهم است؛ بنابراین انتظار داریم پس از تحریم، با شرکتهای تراز اول چینی که به طور عمده با غرب مراوده دارند و بدلیل تحریم ها با ایران کار نمی کردند، وارد فعالیت مشترک بشویم.

در ادامه این میزگرد محسن شریعتی نیا عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی با بیان اینکه چین بعد از الحاق به سازمان تجارت جهانی به کانون زنجیره ارزش جهانی تبدیل شده است گفت: در این زنجیره جایگاه هر کشور بر اساس ارزش افزوده، توزیع، بازاریابی و خدمات پس از فروش متفاوت است؛ کف این زنجیره تولید است که چین در کف قرار دارد و دیگر نمی خواهد در این جایگاه بماند.

وی اظهار کرد: چین می خواهد جایگاه خودش را در زنجیره ارزش جهانی ارتقا دهد. برای این امر دنبال کشور جایگزینی است تا بخشی از تولیداتش را به آن واگذار کند. ایران یکی از گزینه های چین است .

شریعتی نیا ادامه داد: این کشور تصمیم دارد تا سال ۲۰۲۰ میلادی جای ژاپن ، مرکز زنجیره ارزش آسیایی ، را بگیرد. برای رسیدن به این هدف، در تمام طرح های راهبردی این کشور بر ارتقا نقش آن در زنجیره ارزش جهانی تاکید شده است.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی افزود: در این راستا چین برای رسیدن به این هدف به جای کمیت بر کیفیت تاکید دارد و تبدیل صنعت این کشور به صنعت دانش بنیان متکی بر خود ، ورود فناوری اطلاعات در سیاست های صنعتی، ارتقا سهم داخلش در کالاهای صادراتی و افزایش تعداد مراکز تحقیق و توسعه تا سال ۲۰۲۵ را دنبال می کند.

وی تصریح کرد: چین تصمیم دارد در حوزه های پیشرفت فناوری اطلاعات، رباتیک، هوا و فضا، صنایع دریایی ، خط آهن، ماشین آلات نوین، صنعت برق، تجهیزات کشاورزی و پزشکی پیشرفت های زیادی کند.

شریعتی نیا با بیان اینکه ایران در زنجیره ارزش جهانی دارای دو موقعیت است گفت: ایران از یکسو به زنجیره اروپایی مانند ترکیه متصل است و از طرف دیگر به زنجیره منطقه آسیا مثل چین، هند، کره جنوبی و ژاپن متصل است که می تواند از این موقعیت ها استفاده کند.

وی بر تنظیم سند سیاست تجاری، سیاست جذب سرمایه گذاری مشخص، تسهیل تجاری و ارتقای لجستیک برای داشتن رابطه استراتژیک با کشور چین تاکید کرد و گفت: باید کیفیت بورکراسی، زیرساخت ها و نهادها در ایران ارتقا یابد.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی با بیان اینکه هرچقدر حجم بازار کشورها بزرگ تر باشد علاقه مندی کشورها به مشارکت در حلقه های پیشرو جلویی زنجیره ارزش بیشتر است افزود: همچنین هرچقدر سطح توسعه کشورها بیشتر باشد تمایل به وارد کردن مواد اولیه

بیشتر و سهم کالاهای واسطه ای برای واردات افزایش می یابد که در چین این سیاست اجرا شده است.

وی اظهار کرد: هرچقدر سهم تولید در تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد تمایل کشورها به حلقه های اولیه زنجیره ارزش جهانی افزایش پیدا می کند و هرچقدر کشورها به هاب های جهانی زنجیره جهانی ارزش نزدیک تر باشند امکان مشارکت موفق تری در این زنجیره خواهند داشت. ایران باید به این مسایل توجه جدی کند.